

Essays in Philosophy of Religion (Jostarhaye Falsafeh Din),
Iranian Association for Philosophy of Religion
Biannual Journal, Vol. 13, No. 2, Autumn & Winter 2024-2025, pp. 75-84
Paper Type: Brief Report

An Egalitarian Reading of the Conditions of Prophethood in Ḥosn Abboud's View

Fateme Ahmadi*
Alireza Fazeli**

Abstract


In *Mary in the Qur'an*, Ḥosn Abboud attributes an exceptional status to Mary, arguing—on the basis of early exegetical sources—that she fulfills the very criteria of prophethood. Although Abboud does not explicitly classify these criteria, her analysis implies several prophetic markers: divine election and *iṣṭifā'*, the manifestation of miracle, reception of revelation, and clear parallels with other prophets, particularly the Prophet Muḥammad. For Abboud, these indicators constitute a compelling case for Mary's prophethood. Yet, the predominance of androcentric exegetical discourse has led most commentators to avoid applying the title *nabī* to Mary.

Keywords: Egalitarianism, Ḥosn Abboud, Mary, Prophethood.

*Master's degree in Islamic Philosophy and Theology, Yasuj University, Yasuj, Iran, fatemeahmadi6354@gmail.com

** Associate Professor, Department of Philosophy, Yasuj University, Yasuj, Iran (Corresponding Author), fazeli1351@gmail.com

Date Received: 321/01/2025, Date of Acceptance: 12/03/2025

 Copyright©2010, Iranian Association for Philosophy of Religion. This is an Open Access article. This work is licensed under the Creative Commons Attribution 4.0 International License. To view a copy of this license, visit <http://creativecommons.org/licenses/by/4.0/> or send a letter to Creative Commons, PO Box 1866, Mountain View, CA94042, USA.

An Egalitarian Reading of the Conditions of Prophethood in Ḥosn Abboud's View

Extended abstract

This article examines Ḥusn 'Abbūd's egalitarian re-reading of Mary (Maryam) in the Qur'an, with a particular focus on her argument that Mary possesses the defining prophetic qualities typically attributed to the *anbiyā'* in the Islamic tradition. Drawing on a wide range of classical exegetical sources, 'Abbūd identifies a distinctive status for Mary-one that, in her view, aligns with the essential features of prophethood. Although 'Abbūd does not offer a systematic classification of these qualities, her analysis implicitly reveals a coherent set of prophetic markers. The present study reconstructs, systematizes, and critically evaluates these markers in four primary categories: divine election (*iṣṭifā'*), the appearance of *mojeze*, reception of divine revelation, and substantive analogies between Mary and other Qur'anic prophets, especially the Prophet Muḥammad.

- First, the article explores 'Abbūd's argument that Mary's prophetic identity begins with her divine election. Classical exegesis notes that Mary is uniquely chosen twice: first, for exclusive service and devotion in the sanctuary, and second, for the miraculous conception of Jesus. According to 'Abbūd, both acts of divine election parallel the Qur'anic use of *iṣṭifā'* for Adam, Noah, and the Abrahamic line-figures unanimously recognized as prophets. This study further highlights 'Abbūd's emphasis on the matrilineal elements within the House of 'Imrān, noting that this emphasis supports an egalitarian re-reading of prophetic legitimacy beyond androcentric constraints.

- Second, the article examines the role of miracles in 'Abbūd's reasoning. The recurring extraordinary provisions granted to Mary in the sanctuary-such as the miraculous conception, the palm tree that nourishes her during labor, and the spring that emerges at her feet-all function, in 'Abbūd's analysis, as prophetic *mojeze*, rather than mere *karamāt*. Although many theologians distinguish Mary's extraordinary experiences from technical miracles, 'Abbūd contends that their narrative function within the Qur'an aligns closely with miracles as signs of divine commissioning.

- Third, the article discusses 'Abbūd's claim that Mary receives divine revelation. Qur'anic verses in which angels directly address Mary, announce her chosenness, command her to worship, and deliver divine messages serve-as 'Abbūd argues-as explicit indications of *wahy*. Classical exegetes of Andalusian origin also considered

such angelic communication a strong indicator of prophetic status. Moreover, later theological tradition lists verbal revelation, purity, and divine communication as core prophetic traits—all of which, as shown in this study, appear in Qur’anic depictions of Mary.

- Fourth, the study evaluates the parallels ‘Abbūd and other scholars draw between Mary and Muḥammad. Both figures receive a divine message, experience opposition from their communities, undergo hardship, and stand out through extraordinary conditions—Mary’s virginity and Muḥammad’s illiteracy. By framing Mary and Muḥammad as bearers of divine “Word”—Mary through Jesus and Muḥammad through the Qur’an—‘Abbūd strengthens her case for Mary’s prophetic rank.

In conclusion, this article demonstrates that ‘Abbūd’s position resonates with a broader egalitarian interpretive movement that seeks to uncover neglected female prophetic models within Islamic scripture. While classical exegetical discourse often avoided applying the title *nabī* to Mary due to male-centered paradigms, the combined evidence of election, miracle, revelation, and analogical parity presented by ‘Abbūd forms a robust argument for recognizing Mary as a prophet within the Qur’anic worldview.

References

- Abboud, Hosn (2014). *Mary in Qur’an*, New York: Routledge.
- Ehsani Nik, M.; & Pat, F. (2020). “Mary; the Prophet or the Saint? Rereading the Story of Mary in the Quran and Contrasting It with the Androcentric Interpretation of This Story”, *Women Studies*, 11(33), pp: 1-27. [In Persian]
- Ḥillī, Ḥasan b. Yūsuf (n.d.). *Kashf al-Murād fī Sharḥ Tajrīd al-I’tiqād*, Qom: Maktabat al-Muṣṭafawī. [In Arabic]
- Nguyen, Martin (2016). “Sufi Theological Thought”, in: *The Oxford Handbook of Islamic Theology*, ed. by: Sabine Schmidtke, pp. 325–346, Oxford: Oxford University Press.
- Puyazade, A.; & Talebi, R. (2021). “A Revise of Women's Prophecy; Mary’s prophecy is case study”, *Women Studies*, 12 (37), pp. 25-51. [In Persian]

خوانش برابری خواهانه از شرایط نبوت در نظر حسن عبود

فاطمه احمدی*

علیرضا فاضلی**

چکیده

حسن عبود در کتاب مریم در قرآن شخصیتی ممتاز برای مریم(س) قائل است. او با رجوع به منابع تفسیری متقدم، مریم(س) را شایسته مقام نبوت می‌داند و او را دارای ویژگی‌هایی می‌داند که مختص انبیاست. هرچند عبود این ویژگی‌ها را دسته‌بندی و احصا نمی‌کند، ولی از لابلای کتاب او می‌توان ویژگی‌هایی را استخراج کرد که عبارت‌انداز: برگزیدگی و اصطفا‌ی الهی، ظهور معجزه، دریافت وحی و شباهت با دیگر پیامبران و به طور خاص با پیامبر اکرم(ص). در نظر عبود، اینها نشانه‌های قطعی نبوت هستند، اما تسلط گفتمان مردم‌محور باعث شده که اغلب مفسران از اطلاق نبی بر مریم(س) اجتناب کنند.

کلیدواژه‌ها: برابری خواهی، حسن عبود، مریم(س)، نبوت.

۱. مقدمه

خانم حسن عبود، پژوهشگر لبنانی، کتابی با عنوان مریم در قرآن دارد که در آن با نگاهی برابری خواه، در پی بازخوانی آیات مربوط به شخصیت حضرت مریم(س) در قرآن کریم است. او طی تلاشی پیگیر و با رجوع به دسته وسیعی از مفسران متقدم، هویتی ویژه و شخصیتی متمایز برای مریم(س) می‌یابد که تنها در انبیا موجود است. بر پایه همین شرایط

* دانش‌آموخته کارشناسی ارشد فلسفه و کلام اسلامی، دانشگاه یاسوج، یاسوج، ایران،

fatemeahmadi6354@gmail.com

** دانشیار گروه فلسفه دانشگاه یاسوج، یاسوج، ایران (نویسنده مسئول)، fazeli1351@gmail.com

تاریخ دریافت: ۱۴۰۳/۱۱/۱۲، تاریخ پذیرش: ۱۴۰۳/۱۲/۲۵

و خصایص، عبود در صدد اثبات نبوت برای مریم(س) برمی آید. هرچند او به دسته بندی این شرایط نمی پردازد، اما این پرسش اصلی مقاله را به وجود می آورد که شرایط و خصایص نبی که مریم نیز دارای آنهاست، در نظر حُسن عبود چه چیزهایی هستند؟

۲. برگزیدگی و اصطفاى الهی، اولین نشانه نبوت

از سخنان عبود برمی آید که یکی از شروط نبوت، برگزیدگی و اصطفاى از جانب حق متعال است. این شرط را مریم دارد؛ به جز او، خاندان عمران نیز خانواده ای است که توسط یک اجداد زن نام گذاری شده و در واقع یک خانواده مادرزادی است. زن عمران اگرچه با نام شوهرش خوانده می شود، اما خود او نیز قدرت نام گذاری دارد (Abboud, 2014: 133). به نظر عبود، شاید به دلیل قدرت نام گذاری حنه، همسر عمران و وجود حضرت مریم در شجره نامه خاندان عمران، در بین آنها بارها می توان رویکردهایی را مشاهده نمود که حاکی از برابری جنسیتی است و می توان آنها را چنین فهرست کرد:

۱. حنه مادر مریم آغازگر شجره نامه او؛
۲. پذیرفته شدن مریم از جانب خداوند برای خدمتگزاری عبادت در معبد؛
۳. برگزیدن او از میان تمام زنان عالم به واسطه خدا؛
۴. تربیت و رشد ایشان در معابد مقدس؛
۵. ارجحیت ایشان از مردان برای عبادت در معبد؛
۶. نزول الهام لفظی و کلامی از جانب خدا با ایشان (Abboud, 2014: 130).

اما تفاوت مریم با دیگر زنان در این است که فرشتگان صراحتاً مریم را سه بار با نام کوچک خطاب کرده اند: نخستین بار زمانی که به او اعلام می کنند که از میان زنان عالم برگزیده شده است، دومین خطاب مستقیم فرشتگان، اعلام برگزیده شدن مریم در دعا و عبادت است و سومین بار او را به آمدن عیسی مژده می دهند (Abboud, 2014: 131).

شاید بتوان این برگزیدگی را از ابتدای زندگی حضرت مریم(س) نشان داد. طبق رسمی که در آن زمان وجود داشته، تنها پسران می توانستند در معبد خدمتگزاری کرده و مشغول عبادت شوند. پس از به دنیا آمدن مریم، مادرش نسبت به ادای نذر خود نگران شد تا اینکه خداوند در آیه ۳۸ سوره آل عمران پاسخ داد که مریم را به بهترین شکل پذیرفته و او را به بهترین نحو پرورش می دهد. به نظر برخی محققان، واژه «اصطفایا» تنها یک بار در قرآن در

مورد اشخاص به کار رفته و آن هم در خصوص حضرت مریم است که این موضوع امتیاز خاصی برای ایشان به همراه دارد. در سایر موارد، این فعل برای پذیرش اعمال بندگان استفاده شده است (احسانی نیک و پات، ۱۳۹۹: ۱۰). همچنین به نظر همین پژوهشگران، فعل «انبت» در سوره مبارکه آل عمران آیه ۳۷ که به معنای تربیت و پرورش دادن کودک است و فاعل آن خداوند می باشد، برای مریم (س) به کار رفته و مفعول بی واسطه آن نیز خود ایشان است. در نظر ایشان، لفظی که برای مریم به کار رفته برتر از لفظی است که برای حضرت موسی، پیامبر الوالعزم، به کار رفته است. خداوند رزق فراوانی از غیب به مریم رساند و ایشان را در عصمت و طهارت پرورش داد (احسانی نیک و پات، ۱۳۹۹: ۱۱).

عبود می گوید که اصطفای برای حضرت مریم دو بار به کار رفته است. اولین بار زمانی است که خداوند او را برای عبادت و خدمت‌گزاری در معبد برگزید و بار دوم او را برگزید تا صاحب فرزندی باشد که بدون پدر به دنیا بیاید. این کلمه برای برگزیده شدن جهت انجام کار و امور خاص به کار می رود و مفسران این کلمه را در مورد آدم، نوح و ابراهیم بدون شک و تردید بر نبوت و رسالت تطبیق می کنند. اما از تفسیر نبوت برای مریم پرهیز کرده اند. حسن عبود معتقد است که در واقع اصطفای دومی که برای مریم به کار رفته، تبرک جایگاه مادری اوست و آن مادر، به خاطر برگزیدگی و اصطفای نخست، خود نبی است (Abboud, 2014: 15).

۳. معجزه، شرط دوم نبوت

سخنان عبود ما را به اینجا می رساند که شرط یا دلیل دوم نبوت را می توان ظهور معجزه دانست، که برای نبوت تأیید و تصدیقی باشد. با نظر به زندگی مریم (س)، دیده می شود که ایشان چه در طول زندگیشان در معبد و چه بعد از آن، امور خارق‌العاده‌ای داشته اند. در زمان حضور در معبد و خدمت‌گزاری، از رزق‌های معجزه آسا و مکرر بهره‌مند می شدند، مانند میوه‌های تابستانه در زمستان و بالعکس. همچنین، پس از بارور شدن، پدیدار شدن درخت خرما و جوشیدن چشمه نیز امری خارق‌العاده است. البته نظر اکثریت مفسران و متکلمان آن است که این امور خارق با معجزه تفاوت دارد و کرامت محسوب می شود (ر.ک: حلی، بی تا: ۲۷۵-۲۷۶، ۳۵۱) که به واسطه ولی اتفاق می افتد (برای تفصیل ر.ک: Nguyen, 2016: 336-337). زمانی که سرپرستی مریم (س) به حضرت زکریا (ع) محول شد،

شاهد رزق و روزی شگفت‌انگیز مریم بودیم؛ زکریا نیز به موازات او در محراب به عبادت پرداخت. بزرگ شدن و پرورش یافتن مریم در معبد یکی از مباحثی است که همیشه محل مناقشه بوده است؛ زیرا، طبق عرف دین و اجتماع آن زمان مسیحیت، برای خدمت‌گزاری در معابد، مردان بر زنان برتری داشته‌اند. اما خداوند مریم را به خدمت‌گزاری در معبد پذیرفت و او در بستر عدالت رشد کرد. عبود می‌گوید که در قرآن، رشد و پرورش مریم به رشد و پرورش یک گیاه نیکو یا کبوتری تشبیه شده است که خداوند برای پرورش این گیاه نیکو یا کبوتر، غذاهای معجزه‌آسا نازل می‌کرد. برخی از علمای مسلمان نزول رزق و طعام از جانب خداوند بر مریم را دلیلی بر معجزه ایشان می‌دانند، اما برخی دیگر نزول این طعام را صرفاً لطف و رحمت الهی تلقی می‌کنند (Abboud, 2014: 143). برخی از مفسران کلاسیک، رزق معجزه‌آسا و سخن گفتن مریم در کودکی را نشانه‌ای بر مقام برتر دینی ایشان می‌دانند و این امتیازات را معجزه‌ای تلقی می‌کنند که منحصر به انبیای الهی است (Abboud, 2014: 103). همچنین در نظر عبود، نخل مریم که او را در سفر به بیابان و زایمانش همراهی می‌کند، ابزار و وسیله معجزه ایشان است، همان‌گونه که عصا و شتر ابزار معجزه موسی و صالح بوده‌اند (Abboud, 2014: 76).

۴. دریافت وحی، نشانه سوم و آشکارترین شرط نبوت

شرط بعدی و سومی که می‌توان در کتاب مریم در قرآن عبود برای نبوت یافت و در نظر او آشکارترین آنهاست، دریافت وحی است و عبود مریم را دارای این ویژگی می‌داند. در قرآن فرشتگان بر مریم (س) درود و سلام می‌فرستند و بر او وحی می‌کنند که خداوند او را از میان تمام زنان عالم منتخب کرده او پاک و منزّه است و بر همه نسل‌ها برتری دارد پس خداوند را به خضوع و خشوع رکوع و سجود کن (Abboud, 2014: 145). در سنت اسلامی ویژگی‌هایی برای انبیاء ذکر شده است، همچون عصمت، داشتن ارتباط لفظی و کلامی با خداوند از طریق وحی، و دارا بودن معجزه جهت تصدیق و تأیید نبوت. عبود از ابن فرّاق نقل می‌کند که طبق آیات قرآن، این ویژگی‌ها را می‌توان برای مریم (س) یافت و تأیید کرد. اولین ویژگی، عصمت است. در آیه ۴۲ سوره آل عمران، خداوند حضرت مریم را مطهر معرفی کرده است. اکثر مفسران منظور از طهارت مریم را پاکی از نجاسات جسمی مانند حیض و نفاس و همچنین پاکی از آلودگی‌ها می‌دانند. اما برخی دیگر از مفسران، مانند

طباطبایی، طهارت را به معنی عصمت برای مریم تفسیر می‌کنند. پس بر طبق نظر طباطبایی، مریم یکی از ویژگی‌های نبوت را داراست. دومین ویژگی نبوت از نظر سنت اسلامی، وحی است که به معنای سخن گفتن با خداوند است. در آیاتی از قرآن، مریم با فرشته وحی گفت‌وگو دارد و فرشته او را با لفظ «یا مریم» مخاطب قرار می‌دهد (آل عمران/ ۴۳-۴۵). به نظر عبود، مظهر الهام کلامی و سخن گفتن خدا با حضرت مریم با ظهور فرشتگان بر ایشان آغاز شد. مفسران کلاسیک اندلسی همین مورد را نشانه‌ای از نبوت حضرت مریم دانسته‌اند (Abboud, 2014: 206). به نظر عبود، مریم (س) دارای مقام نبوت است، زیرا فرشتگان رزق و روزی معجزه‌آسا به او می‌آورند و همچنین بر او نازل می‌شدند، با او از جانب خداوند سخن می‌گفتند و او را بشارت و مژده می‌دادند. مریم (س) نیز کلام خداوند را استقبال می‌نمود (Abboud, 2014: 149).

۵. شباهت با انبیاء، نشانه چهارم نبوت

عبود شباهت مریم (س) با دیگر پیامبران را ویژگی دیگری می‌داند که می‌توان آن را چهارمین نشانه‌ای از نبوت مریم (س) به‌شمار آورد. به نظر او، این خصیصه مریم (س) را در شمار انبیاء قرار می‌دهد. عبود با قیاس و در کنار هم قرار دادن مریم (س) و محمد (ص)، می‌گوید که محمد (ص) کلام و الفاظ قرآن را که نازل شده بود، حمل می‌کرد و مریم (س) نیز عیسی را که کلام خدا بود، حمل می‌کرد. به نظر او، قرآن با بازگویی داستان حضرت مریم و حضرت عیسی توجه ویژه‌ای به حضرت مریم نشان می‌دهد که این امر تصویر مریم (س) را به‌عنوان یک پیامبر تأیید می‌کند (Abboud, 2014: 166). دیوید مارشال و حسن عبود شباهت و قرابت زیادی میان حضرت محمد (ص) و حضرت مریم (س) بیان کرده‌اند. هر دو یتیم بودند و شخص دیگری آنها را بزرگ کرد: مریم (س) را زکریا پروراند و محمد (ص) یتیمی بود که پدر بزرگش او را بزرگ کرد. هر دو پیام‌هایی از جانب خداوند دریافت کردند و همچنین هر دو مورد تهمت قوم خود قرار گرفتند. آنها همچنین تجربه‌های گرسنگی، ناامنی، تشنگی، و سختی را در این راه تحمل کردند. مریم (س) در تنهایی و در محراب معبد به عبادت خدا می‌پرداخت، در حالی که محمد (ص) در نماز به ملاقات خدا می‌رفت. باکرگی مریم و بی‌سوادی محمد (ص) به یکدیگر قرابت زیادی دارد. مریم (س) بدون پدر، عیسی را باردار شد و محمد (ص) بدون علم خواندن و نوشتن بود.

پاسخ هر دو به فرشته بشارت‌دهنده نیز مشابه بود: مریم(س) می‌گوید «چگونه فرزندی آورم بدون اینکه مردی مرا لمس کرده باشد»، و محمد(ص) می‌گوید «چگونه قرآن بخوانم در صورتی که نه خواندن بلام و نه نوشتن» (Abboud, 2014: 165). او همچنین مقایسه‌ای بین ورود مریم(س) و برابری جنسیتی در ورود به کعبه انجام می‌دهد و معتقد است که ورود مریم(س) به معبد، عدالت و برابری جنسیتی را در مسئله عبادت ثابت کرد. پیامبر(ص) نیز با ایجاد برابری جنسیتی در ورود به کعبه و عمل طواف، این برابری را برای زنان و مردان به‌طور یکسان فراهم کرد (Abboud, 2014: 130).

۶. نتیجه‌گیری

پس از جمع‌بندی آراء عبود که همراستا با برخی دیگر از محققان برابری‌خواه (پویازاده و طالبی، ۱۴۰۰: ۴) است، می‌توان به این نتیجه رسید که در نظر حسن عبود، مریم(س) تمامی شرایط نبوت را دارد. این نکته حتی در تفاسیر متقدم نیز قابل مشاهده است، اما غلبه خوانش‌های مردمحور این ویژگی بزرگ او را نادیده گرفته است.

منابع

قرآن کریم.

احسانی نیک، ملیحه؛ و پات، فریبا (۱۳۹۹). «مریم؛ زنی در مقام ولایت یا نبوت؟ بازخوانی داستان مریم در قرآن و تقابل آن با تفسیر مردمحورانه از این داستان»، پژوهشنامه زنان، سال یازدهم، شماره سوم، صص. ۱-۲۷.

پویازاده، اعظم؛ و طالبی، روح‌الله (۱۴۰۰). «بازنگری در نبوت زنان؛ مطالعه موردی حضرت مریم(س) در قرآن»، پژوهشنامه زنان، سال دوازدهم، شماره سوم، صص. ۲۷-۵۱.

حلی، حسن بن یوسف (بی‌تا). کشف المراد فی شرح تجرید الاعتقاد، قم: مکتبه المصطفوی.

Abboud, Hosn (2014). *Mary in Qur'an*, New York: Routledge.

Nguyen, Martin (2016). "Sufi Theological Thought", in: *The Oxford Handbook of Islamic Theology*, ed. by: Sabine Schmidtke, pp. 325-346, Oxford: Oxford University Press.